

شاید چند دهه یا سده بعد که محققان از هنر اسلامی بنویسند عرصه پژوهش آنان موضوع انرژی هسته‌ای و هنر کوه مردان این سرزمین برای دستیابی و تثبیت آن را هم در بر گیرد.

این بضاعت مزجاة را به این بزرگان و همه ایرانیان که به سرزمینشان عشق می‌ورزم، تقدیم می‌کنم.

## هنر و معماری اسلامی

رابرت هیلن براند

ترجمه اردشیر اشراقی

## فهرست

۹.....	فصلنامه
۱۱.....	فصل اول: پیدایش هنر اسلامی: امویان
۳۹.....	فصل دوم: عباسیان
۶۱.....	فصل سوم: فاطمیان
۸۵.....	فصل چهارم: سلجوقیان
۱۰۹.....	فصل پنجم: دوران اتابکان: سوریه، عراق و آناتولی
۱۳۷.....	فصل ششم: مملوکان
۱۶۵.....	فصل هفتم: غرب اسلام
۱۹۳.....	فصل هشتم: ایلخانان و تیموریان
۲۲۳.....	فصل نهم: صفویان
۲۵۱.....	فصل دهم: عثمانیان



## فصل اول

### پیدایش هنر اسلامی: امویان

آرام تا هند و مرزهای چین گسترده شده به وضوح به منزلهٔ عدم شناخت مفهوم این هنر است. به نظر می‌رسد در دو نسلی که شاهد سیل هجوم مسلمین به بیرون از صحرای سرزمین مادری خود و ترکتازی، سراسر آسیای غربی و شمال آفریقا بود، نه تمایلی برای پرورش بیان هنرمندانه وجود داشت و نه مجالسی. پیدایش هنر اسلامی نه کار جنگجویان صدر اسلام، که کار نوادگان آنان بود. به هر تقدیر از سال‌های صدر اسلام هیچ بنا یا اثر هنری مهمی باقی نمانده است. چه بسا این شروع بطیء ارتباطی با این حقیقت داشته باشد که در این مقطع مرکز حکومت در حال تولد اسلامی عربستان بود زیرا عربستان محیطی بود که گرچه در آن هنرهای بصری - آن‌گونه که حفاری‌های اخیر در قریهٔ فاو (نقاشی‌های دیواری صحنهٔ کاخ‌های سلطنتی) و نقاط دیگر (پیکرتراشی‌ها) نشان می‌دهد - بی‌تردید غایب نیست با این حال به‌رغم شکوفایی معماری، از نقش خیلی با اهمیتی برخوردار نبود. قدر مسلم عربستان به مراتب از شرق مدیترانه عقب‌تر بود. هم‌چنین در این دوره هیچ هنر اسلامی «عالمگیری»

به طور معمول، بلکه غالباً، پیدایش هنر اسلامی را با تندباد فتوحات نظامی مسلمین که به دنبال رحلت پیامبر اسلام در سال ۶۳۲ م. ۱۱ ق. به وقوع پیوست، مرتبط می‌دانند. چنین اندیشه‌ای به قدر کفایت، پذیرفتنی می‌نماید. به نظر می‌رسد ظهور حکومتی جهانی، اعلان دینی تازه، و شکل‌گیری هنری که به آن دین نامبردار است، جملگی، به هم مرتبط باشد. اما آیا به راستی این طور است؟ میان این عناصر ارتباطی علی وجود دارد - اگر این طور باشد - تسلسل دقیق تاریخی آن کدام است؟ چشم‌انداز فتوحات مسلمین اگرچه خیره‌کننده و هیجان‌انگیز است. در واقع ارتباط نسبتاً اندکی با هنر اولیهٔ اسلامی دارد. در عین حال، نقش تکرار دهندهٔ آن سال‌های آغازین امری واضح است. پس دقیقاً چه رابطه‌ای میان حوادث سیاسی زلزله‌سان قرن ۷ م. / ۱ ق. و هنر صدر اسلام وجود دارد؟

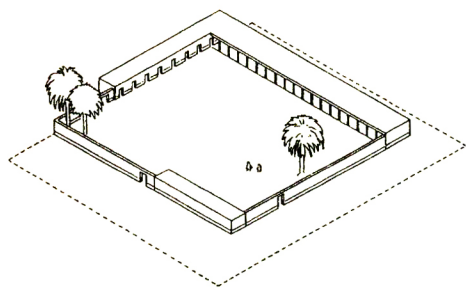
سخ به چنین پرسشی نیازمند پالایش گون تاریخی و جغرافیایی است. نگرش به هنر اولیهٔ اسلامی به عنوان حتی نمایندهٔ امپراتوری که پهنهٔ آن از اقیانوس

وجود نداشت. آفاق این هنر به تمامی به سوریه<sup>۱</sup> محدود می‌گشت. در بقیه امپراتوری اسلامی چه بسا به‌سختی بتوان آثار هنری را یافت، مگر آثار هنرمندان یا صنعتگرانی که از خارج از سوریه در این دیار فعالیت داشتند و بر تولیدات هنری آن تأثیر بیرونی می‌گذاشتند.

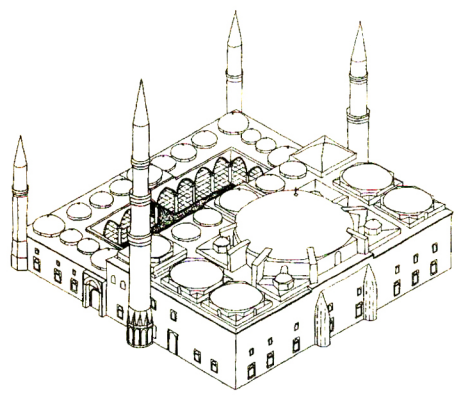
ممکن است این نکات آدمی را بدانجا رهنمون سازد که انتظار داشته باشد هنر سال‌های آغازین اسلامی دارای کیفیتی نسبتاً محدود، و نیز فاقد جسارت یا هدف باشد. اما چنین نیست. این گونه ویژگی‌ها چه بسا مشخصه بناهای تاریخی صدر اسلام که مسلمانان مثلاً در فسطاط، بصره و کوفه بر پا داشتند، به شمار می‌رفت - گرچه راهی برای اثبات این مطلب وجود ندارد چه، هیچ یک از آن بناها باقی نمانده است. اما اگر هنر اسلامی در آغاز کار بطیء بود، به سرعت شتاب گرفت. مسلماً نخستین بنای مهم تاریخی برج‌مانده، قبة الصخره در بیت‌المقدس، نشانگر اعتماد به نفس سازندگان آن است. هنر اسلامی به عنوان هنر تازه‌ای از راه رسیده بود. این هنر به سرعت جایگاه خود را تثبیت نمود، و بی‌توجه به همه تجارب پرشمار و دگرگونی‌های شیوه اندیشه که در خلال حکومت دودمان اموی (۷۵۰-۶۶۱ م./ ۶۵۶-۱۳۲ ق.) به وقوع پیوست، با جسارت مسیر خود را طی می‌کرد.

این جسارت که از برجسته‌ترین ویژگی‌های هنر عصر اموی به شمار می‌رود به عوامل چندی وابسته بود. شاید مهم‌ترین در کنار اعتماد به نفس قابل فهمی که

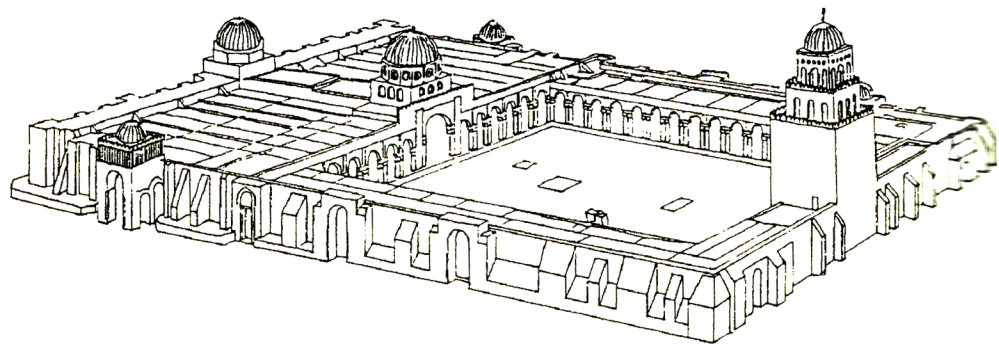
آنها پیروزی چشمگیر نظامی مسلمین در لشگرکشی‌های برون‌مرزی خود باشد. لابد در چشم دشمنانشان، آنان افرادی با قدرت جادویی جلوه کرده‌اند که فتوحاتشان در بیشتر عصر اموی امر خدشه‌ناپذیری به نظر می‌رسید. مرزهای «دارالاسلام» سالیان متمادی رو به گسترش داشت تا این‌که در ۷۳۲ م./ ۱۱۴ ق. - دقیقاً یک قرن پس از رحلت پیامبر (ص) - شکست مسلمانان در نبرد پواتیه<sup>۲</sup> در مرکز فرانسه نشان از پایان فتوحات قابل توجه در چند سده آتی داشت (اگرچه این موضوع تنها امروزه قابل درک است). اما جسارت حیرت‌آور امویان تماماً بر موفقیت نظامی در بیرون مرزها مبتنی نبود، بلکه بر توانایی این خاندان جدید برای مقابله با چالش‌های بی‌شمار داخلی نیز بنیاد داشت. این چالش‌ها در سی سال نخست حکومت اموی در خطرناک‌ترین صورت خود ظاهر شد. مادامی که تولید آثار هنری مد نظر باشد چه بسا تصادفی نباشد که این مقطع به تنهایی از این نظر مقطعی بی‌ثمر به نظر آید. با این همه شاید بتوان دست‌کم بخشی از فوران فعالیت بناسازی را که در پی تثبیت قدرت امویان و غلبه آنان بر معارضان داخلی به وقوع پیوست در سایه حوادث سیاسی - در این مورد خاص به عنوان سالگشت روی کار آمدن امویان - دید. این جنبه تبلیغاتی کراراً در هنر اسلامی، به‌ویژه معماری، به چشم می‌خورد اما از اهمیت کمتری برخوردار است.



خانه توسعه‌یافته پیامبر اسلام (ص)، مدینه، ۶۲۴ م./ ۳ ق.؛ معماری مساجد بسیاری ملهم از آن است.



مسجد اوج شرفلی، ادرنه، ۱۴۴۷ م./ ۸۵۱ ق.؛ نمونه‌ای از تأکید بر کاربرد گنبد در معماری مساجد عثمانی.



مسجد جامع فیروان، ساخته‌شده عمدتاً در سال‌های ۶۲-۸۳۶ م./ ۴۸-۲۲۲ ق.